است کقوله تعالی لعنة الله علی الکاذبین و دیگر آنکه ائمه اثنا عشریه
را ائمه دین و مجتهدان اهل یقین تصور کرده باشند پس برین تقریر برایشان
دو سوال فرود مے آید یکے آنکه میان ائمه اربعه و میان ائمه اثنا عشریه اختلاف
و مخالفت در احکام اسلام رفته و یا موافقت بوده اگر اختلاف جائز دارند
کافر گردند زیرا که مذهب ائمه اربعه بعینه مذهب خلفاء راشدین پس اگر اختلاف
جائز بودی هر آئینه علی مرتضی کرم الله وجهه با خلفاء ثلثه اختلاف ورزیدی و
متابعت ایشان در امور دین و دنیا نه نمودی با آنکه افضل ترین ائمه اثنا عشریه
امیر المومنین مرتضی علی بوده اند چه متابعت نمودن امام باطل کفر است
پس چون مرتضی خلاف ننموده اتفاق ثابت آمد و انکار از اتفاق ایشان
کفر است و هیچ دلیل قطعی در اختلاف ایشان نخواهند آورد دوم آنکه موافقت
میان ائمه اربعه و اثنا عشریه اعتقاد کرده باشند پس این هنگام اثبات
مذهب مر ائمه اثنا عشریه بیفایده آمد چه مشهور و متعارف است که
بعضے ازین جماعة اثنا عشریه مقدم از ائمه اربعه بودند بعضے موخر آنها
که مقدم بودند ائمه اربعه دین و علوم دین از آنها دریافته اند و تبعیت آنها
نموده اند و آنها که موخر بوده اند آنها اخذ دین و علم دین از ائمه اربعه نموده اند و
تبعیت آنها کردند پس اطلاق اسم ائمه اثنا عشریه برایشان از جمله
محدثات روافض آمده کما ذکر فی التمهید و منهم من قال بان الامة
لم یعرفوا الامام وهم اثنا عشر الی قوله وهذا منهم کفر و همچنین
لفظ پنج تن پاک چون از خلفاء راشدین و ائمه دین منقول نیامده از نو
پیدا کرده ایشان است و علامات رفض است کما مر من قبل چه اگر سید
المرسلین و خلفاء راشدین را ازین لفظ مراد داشته باشند روا باشد
اما بدعت آمیز چه لفظ بدیع را در امور دین استعمال کردن بدعت مے باشد
بل محمد آخر زمان و خلفاء راشدین عبارت نماید که این الفاظ منقول اند
و لفظ پنج تن پاک منقول نی و اگر حبیب مجتبی و علی مرتضی و حسن و حسین
و فاطمه زهرا مراد داشته باشد علامات رفض باشد چه مردم روافض

لفظ پنج تن پاک محمد علی رافضی است